



ترجمه و تأثیر شعر فارسی در شبه قاره

○ دکتر ابوالقاسم رادفر

از آنجا که ملل جهان به مناسبت‌های گوناگون همواره در تماس و رفت و آمد بوده و هستند خواه ناخواه زبان و ادبیات و مسایل مختلف فرهنگی و آداب و رسوم آنان بر یکدیگر تأثیر می‌گذارد و این امری طبیعی است. البته گاهی بسته به شرایط، این اثرگذاری بیشتر و زمانی کمتر است بویژه در کشورهایی مانند ایران و هند که وجوه مشترک تاریخی، زبانی و فرهنگی بسیار داشته‌اند این اثر کاملاً مشهود است.

تشابهات و پیوندهایی که بین زبانهای باستانی ایران و هند به علت منشأ واحد و رابطه خویشاوندی وجود دارد با مقایسه بعضی واژه‌های دو زبان مانند کلمات پدر، مادر، برادر، دختر، سر، تن، بازو، دندان، پیل، گاو، میش، جو، گندم، و... تأیید می‌شود.

در زمینه ادبیات هم اگر ادبیات فارسی را با بخش مهمی از ادبیات شبه قاره مقایسه کنیم آثار بسیاری را می‌بینیم که ترجمه از آثار فارسی می‌باشند، یا تحت تأثیر آنها پدید آمده‌اند. برای نمونه در ادبیات اردو، در نظم و نثر، داستان و غیر داستان این تأثیر و نفوذ زبانی و ادبی کاملاً مشهود است. مانند سب و ریس و جهمی که تفصیل آن در کتابهای چندی آمده است. البته این تأثیرگذاری زبان و ادبیات فارسی فقط به زبان و ادبیات شبه قاره محدود نمی‌شود. بسیاری از زبانها و آثار ادبی جهان تحت تأثیر زبان و ادبیات فارسی بوده‌اند و آثار بسیاری تحت تأثیر ترجمه آثار شاعران و نویسندگان فارسی زبان پدید آمده است که در اینجا فقط به اختصار اشاره‌ای به نفوذ شعر چند تن از بزرگان ادب فارسی ایران در شبه قاره به عنوان مشت نمونه خروار می‌کنم.

درباره «تأثیر زبان فارسی بر زبانهای محلی شبه قاره» مقاله‌ای جداگانه نوشته‌ام که دیگر لزومی نمی‌بینم آن را در اینجا بیاورم تنها با ذکر نمونه‌هایی در این باره شما را به آن مقاله ارجاع می‌دهم. همین قدر یادآور می‌شوم که کتابها و مقالات و پایان‌نامه‌های دکتری چندی درباره تأثیر زبان فارسی بر زبانهای محلی هند نوشته شده است. وجود بیش از ۶۰ در صد واژه‌های فارسی در زبان اردو و تقریباً ۴۰ در صد در زبان هندی و حدود هشت هزار واژه فارسی و عربی در زبان بنگالی و واژه‌های بسیاری در زبان مراآتهی (حدود ۲۰ در صد^۱) در طول ۳۵۰ سال ارتباط حکومتهای فارسی زبان با مردم مراآتهی زبان دامنه نفوذ زبان فارسی را نشان می‌دهد.

جواهر لعل نهرو اولین نخست وزیر دانشمند و روشنفکر هند مستقل در آثار خود اشاره‌های زیادی به فرهنگ و تاریخ ایران دارد. او وقتی درباره روابط تیموریان هند با ایران دوران صفوی سخن می‌گوید نظر خود درباره نفوذ فرهنگ فارسی بر هند را ابراز می‌کند و می‌نویسد: «تمام زبانهای جدید هندی پر از کلمات فارسی می‌باشند. این امر برای زبانهایی که فرزندان زبان سانسکریت باستانی می‌باشند، بدیهی است و مخصوصاً برای زبان هندوستانی که خود مخلوطی از زبانهای مختلف می‌باشد، بسیار طبیعی است، اما حتی زبانهای دراویدی جنوب هند نیز تحت تأثیر لغات فارسی واقع شده‌اند.» وجود لغات فارسی و عربی به تعداد زیاد در راماین نیز نشانگر رواج بیش از اندازه زبان فارسی در شبه قاره بوده که «تلسی داس» به آسانی و به کثرت آنها را در اثر خود آورده است.

واژه‌هایی مانند: رُخ، پوچ، باغ، ساز (در معنی ساز و سامان)، بازار، دربار، سهم (به معنی ترس)، پیاده، شور، تیر، گمان، اندیشه، نوازنا (از مصدر نوازدن)، بار بار، ساده، گود، اسوار (به معنی سوار)، نشان، جهان، کاغذ، رنگ، برابری، زین، بخشش، سرتاج، میوه، شاخ، کلاه، کمان، مزدوری، داغ، گردن، ترکش (به معنی تیردان)، زور،

۱- قند پارسی، ش ۷ بهار ۷۳، ص ۲۰۹.

خوار (به معنی ذلیل)، بازی‌گر، بندی‌خانه (به معنی زندان)، فراخ، هنر، چوگان، موشک (به معنی موش)، پلنگ، کرم، گناه، بس، چار، لگام، سفیدی، سان، آه، هیچ، فیروز، جوان، مرهم، پایک (به معنی پیاده و قاصد)، میش و...^۱

اما درباره بخش دوم یعنی نفوذ و حضور شعر فارسی در شبه قاره نخست از فردوسی و شاهکار جهانی او شاهنامه شروع می‌کنم:

شاهنامه حماسه بزرگ استاد طوس تنها اثری متعلق به سرزمین ایران و زبان فارسی نیست، بلکه یک اثر جاودان جهانی به شمار می‌رود که از آغاز پدید آمدن آن تاکنون همواره در بین اهل فن و تحقیق و حتی مردم عادی و عامی رواج بسیار داشته است. حد و اندازه آن به درجه‌ایست که برخی محققان ادبیات حماسی آن را از ایلید و ادیسه منسوب به هومر برتر و بالاتر می‌دانند و فقط یادآور می‌شوم که بالغ بر دویست اثر به تقلید شاهنامه سروده شده و به اکثر زبانهای زنده ترجمه گردیده است که اینجانب در مقاله‌ای به مناسبت «هزاره تدوین شاهنامه» در دانشگاه تهران فهرست ترجمه‌های شاهنامه را ارائه داده‌ام. فقط در اینجا به این نکته اشاره می‌کنم که «فقط در زبان بنگالی درباره فردوسی و شاهنامه ۲۳ اثر از آغاز سده نوزدهم تا امروز انجام گرفته است»^۲.

نظر به تنگنای وقت درباره نفوذ فردوسی در شبه قاره علاقه‌مندان را به مآخذ زیر ارجاع می‌دهم:

- ۱- «شاهنامه و هند» از پرفسور امیر حسن عابدی (۸-۵۳)، ۲- «نفوذ فردوسی و شاهنامه در سند» از استاد حسام‌الدین راشدی (ص ۸۴-۶۹)، ۳- «آثار قهرمانان شاهنامه در ادبیات باستانی هند» از پرفسور آچاریه دارمندرات (ص ۱۹۰-۱۸۷)، در کتاب فردوسی و ادبیات حماسی (چاپ تهران، سروش، ۱۳۵۴) و نیز: فهرست مشترک

۱- نقل به اختصار از مقاله محمد مصطفی خان مداح در اردو ادب، جولای ۱۹۵۰، ص ۵۹-۵۰.

۲- نقل از سخنرانی خانم دکتر کلثوم ابوالبشر در هفدهمین کنگره استادان زبان فارسی در بمبئی در ۲ ژانویه ۱۹۹۶ و نیز در این باره رجوع شود به قند پارسی، ش ۶، زمستان ۱۳۷۲، ص ۱۰۴-۸۸ و ش ۸،

ترجمه و تأثیر شعر فارسی در شبه قاره
نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، تألیف احمد منزوی، مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، اسلام‌آباد، ۱۳۶۷، ج ۱۰، بویژه صفحات ۵۱-۱۴۵.

خیام تا آنجا که اینجانب درباره نفوذ شاعران پارسی‌گوی در ادبیات جهان تحقیق کرده و می‌توانم مأخذ و سند ارائه دهم هیچ شاعری به اندازه خیام تاکنون آثارش به زبانهای دیگر ترجمه نشده، حتی کشورها و زبانهایی وجود دارند که تأثیر ادبیات فارسی در آنها تنها از طریق ترجمه رباعیات خیام است و تاکنون بالغ بر چهل زبان رباعیات خیام ترجمه شده که در این باره فقط جهت اطلاع از ترجمه‌های رباعیات خیام به زبانهای محلی شبه قاره می‌توانید به مقدمه کتاب نذر خیام از راجه مکهن لال (اولین مترجم اردوی رباعیات خیام) مراجعه کنید که در آنجا از ترجمه‌های بنگالی، گجراتی، تامیل، آریه، سانسکریت، هندی، تلگو، مراتھی، اردو و حتی زبانهای اروپایی اطلاعاتی داده شده است^۱. شاید اشاره بدین نکته ضرور باشد که فقط در زبان بنگالی شش ترجمه و تألیف درباره رباعیات خیام و خود او در سده اخیر انجام گرفته است. همچنین به نقل تعلیقات ترجمه فارسی تاریخ ادبی ایران تألیف ادوارد براون جلد دوم ترجمه علی پاشا صالح در اروپا صدها اثر درباره خیام و آثار و اندیشه او نوشته شده است. همین نمونه‌ها و آمار نشانگر نفوذ عمیق ادبیات ایران بویژه شعر فارسی در بین ملل دیگر و زبانهای گوناگون جهانست.

نظامی یکی از مظاهر مهم نفوذ زبان فارسی در شبه قاره وجود نسخه‌های خطی فراوان آثار شاعران فارسی‌گوی ایران در کتابخانه‌های متعدد شبه قاره است. به عنوان نمونه می‌توان یادآور شد که فقط درباره نظامی گنجوی شاعر فارسی سرای خمسه پرداز سده ششم بر اساس مقاله پرفسور شریف حسین قاسمی از ۳۷ کتابخانه هند ۲۹۲ نسخه از آثار مختلف نظامی و شروح آنها معرفی شده که البته تعدادی از آنها شروحنی است که توسط استادان هندی برای فهم اشعار نظامی نوشته شده است. اگر روزی تمام

۱- چاپ حیدرآباد دکن، اعجاز پرننگ پریس، ۱۹۵۸ م، ص ۹-۱۷.

ترجمه و تأثیر شعر فارسی در شبه قاره
کتابخانه‌های هند و پاکستان و بنگلادش به طور کامل فهرست شود خود نشان می‌دهد که بالغ بر ۱۰۰۰ اثر فقط از آثار نظامی به صورت نسخه خطی وجود دارد و اگر کتابهای چاپی، تحقیقات، رسالات و آثار هنری مانند نقاشی‌ها، مینیاتورها و خطاطیهای پیرامون نظامی جمع شود خود رقمی بالاتر از دو هزار می‌گردد که البته علاوه بر مقاله پرفسور شریف قاسمی اینجانب هم در کتابشناسی نظامی گنجوی که به مناسبت کنگره بزرگداشت نظامی (سال ۱۳۷۱) چاپ شده در کتابی بالغ بر ۶۰۰ صفحه درباره نسخ خطی، چاپی، مقالات، فرهنگها، پایان‌نامه‌ها، ترجمه‌های آثار نظامی به زبانهای مختلف، مقلدان آثار نظامی، معرفی نظامی شناسان ایرانی و خارجی به تفصیل سخن گفته‌ام.

عطار مقبولیت و شهرت عطار در میان هندیان تا بدان پایه بوده که حتی فیضی (۱۰۰۴-۹۵۴ هـ) ملک الشعراء دربار اکبر در نامه‌ای که به شاه می‌نویسد، ضمن نقل حکایتی به ابیات زیر از عطار استناد می‌ورزد که خود دلیل استوار دیگری بر شهرت و آوازه عطار در دیار هند تواند بود.

ز نادانی دل پر جهل و پر مکر گرفتار علی ماندی و بویکر

جو یکدم زین تخیل می‌فرستی نمی‌دانم خدا را کی پرستی^۱

تفصیل مربوط به نسخه‌های خطی و چاپی و ترجمه‌ها و تحقیقات پیرامون عطار در شبه قاره هند خیلی بیش از نظامی است فقط به عنوان نمونه از پندنامه او به زبان اردو و پنجابی ده ترجمه و از تذکرة الاولیاء شش ترجمه و از منطق الطیر سه ترجمه ذکر شده است. فقط در مقاله‌ای تحت عنوان «عطار در شبه قاره»^۲ تعداد ۵۵۵ اثر متعلق به عطار شامل نسخه‌های خطی، چاپی، شروح، تراجم و نوشته‌های دیگر معرفی شده است که این خود یک نمونه دیگر از رسوخ افکار و اندیشه و شعر و ادب فارسی در شبه قاره است.

۱- شعر العجم: شبلی نعمانی، ج ۳، ص ۵-۲۴ (ترجمه) نقل از فند پارسی، ش ۸، پاییز ۱۳۷۳، ص ۱۱.

۲- همان مأخذ پیشین، ص ۱-۱۲۶.



سعدی حضور سعدی و آثارش در شبه قاره از زمان خود وی چنان گسترش داشته که آثار او به عنوان کتاب درسی در حوزه‌ها و مدارس و مکتب‌خانه‌ها و حلقه‌های وعظ و خطابه به عنوان آثار ادبی و اخلاقی مورد استقبال همگان بوده است. وجود نسخه‌های فراوان خطی و چاپی، شرحها و فرهنگهای مختلف، تحقیقات و پژوهشهای متعدد درباره زندگانی و آثار و افکار این شاعر و نویسنده بزرگ در شبه قاره نشان دهنده نفوذ و پایگاه عمیق زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره است. فقط در سده نوزدهم و بیستم، به زبان بنگالی تعداد ۳۳ ترجمه از آثار شیخ سعدی انجام گرفته و تاکنون بالغ بر ۶۰ اثر به تقلید گلستان سعدی نوشته شده است. فکر می‌کنم ذکر همین دو مورد برای تأثیرگذاری آثار و افکار سعدی بر ادبیات شبه قاره کافی باشد. در حالی که دامنه نفوذ سعدی فقط منحصر به شبه قاره نیست، بلکه در اروپا تأثیر آثار داستانی - اخلاقی سعدی را بر آثار برخی نویسندگان بزرگ غربی چون لافوتن نمی‌توان انکار کرد. تنها با مراجعه به کتاب درباره سعدی تألیف خاورشناس بزرگ فرانسوی هانری ماسه (Henry Masse) می‌توان تا حدودی به نفوذ و تأثیر عمیق سعدی بر غرب، بویژه ادبیات فرانسه پی برد.

مولوی مولانا جلال‌الدین، عارف وارسته‌ای که آیین او عشق است و کلام او دعوت به یگانگی. عاشق سوخته اما آگاه به معارف الهی که وجودش را محبت و ستایش خدای یکتا پرکرده است. مثنوی و غزلیات او در عین اینکه دریایی است آکنده از جوش عشق و جوشش عرفان، نقاوه و چکیده فرهنگ و معارف اسلامی و ایران را هم در خود جمع دارد. ازین شاعران ایرانی شاید هیچ شاعری جز سعدی از لحاظ وسعت دامنه تأثیر در خارج از ایران به پای مولوی نرسد، زیرا عمق اندیشه و سلطه معنوی کلام مولانا در سراسر قلمرو فرهنگ فارسی، هندی، عربی، ترکی تقریباً از زمان خود شاعر چنان تأثیری بر افکار و قلوب مردم و صاحبان اندیشه گذاشته است که اثر آن نه تنها در فلسفه و عرفان بلکه در ادبیات آن سرزمینها هم کاملاً احساس می‌شود...



نویسنده این سطور در مقاله‌ای تحت عنوان «ترجمه‌های آثار مولوی»^۱ به تفصیل درباره ترجمه‌های آثار مولوی به زبانهای مختلف پرداخته و از ترجمه‌های اردو، بنگالی، پنجابی، سندی و کشمیری نیز یاد کرده‌ام. بنا به نقل دکتر ابوالبشر فقط ۲۱ اثر درباره مثنوی و شرح و تفسیر آن از اوایل قرن نوزدهم تاکنون به زبان بنگالی نوشته شده است. مثنوی مولانا همواره در مجالس سماع و ذکر عارفان و درویشان خوانده می‌شده و هنوز هم این کار ادامه دارد و از قدیمترین ایام از نفوذ شعر مولانا و تأثیری که بر روح و دل سالکان و مریدان داشته مطالب زیادی در کتابها و زندگینامه‌های افراد که گاه باعث تحوّل روحی و انقلاب درونی آنان گردیده ذکر شده است. حتی مشایخ صوفیه برای تهذیب نفس مرید و آموزش نکات دقیق عرفان به سالکان درس مثنوی می‌دادند. در اینجا به جهت اختصار تنها به ذکر نمونه‌ای از کتاب محبوب ذی‌المنن تاریخ اولیای دکن عبدالجبار ملکاپوری بسنده می‌کنم. مؤلف پنج گنج درباره شاه نورالله صاحب هندوستانی می‌نویسد... عارف کامل و عالم عامل بود. همیشه درس مثنوی می‌داد و مضامین را خوب شرح و بسط می‌فرمود. اهل دکن او را مولانای مثنوی می‌گفتند. اکثر مشایخ دکن در مثنوی از ایشان سند اخذ کردند. شاه برهان‌الله قندهاری و شاه میران صاحب حیدرآبادی مثنوی را درس به درس نزد ایشان خواندند. ایشان در منزلش از بعد از ظهر تا عصر مثنوی درس می‌داد...^۲

مثنوی سه سال بعد از مرگ مولانا به وسیله شاگردش احمد رومی به هند رسید... مثنوی معنوی و سایر اشعار عرفانی نه تنها در افکار مسلمانان بلکه در افکار هندوان و سایر مذاهب نیز مؤثر بوده است. مثلاً شاعری مسلمان به نام «کبیر» در قرن نهم هجری از تلفیق تصوّف اسلامی و افکار هندویی یک مکتب عرفانی به نام «بهاکتی» ابداع کرده اساس آن ایمان به خدای واحد و احترام به همه ادیان و مذاهب و... است.^۳

- ۱- فرهنگ، ویژه ادبیات و عرفان، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ش ۱۴، بهار ۱۳۷۲.
- ۲- محبوب ذی‌المنن، ج ۲، ص ۷۰-۶۹.
- ۳- مجله مقالات و بررسیها، چاپ دانشگاه تهران، دانشکده الهیات، ش ۳۶-۳۵ (سال ۱۳۶۰)، ص ۱۵.

حافظ حافظ را شاید بتوان یکی از معدود شاعران مهم و مقبول جهان دانست که شعر و اندیشه او آثار و افکار شاعران و نویسندگان بسیاری را در شرق و غرب تحت تأثیر خود قرار داده است. وجود نسخ بی‌شمار از مجموعه اشعار این اندیشمند و غزلسرای بزرگ در کتابخانه‌های بزرگ و کوچک جهان، عمومی یا خصوصی، حکایت از حسن قبول و رواج شعر حافظ دارد. به عنوان نمونه تنها در شبه قاره، غزلیات حافظ بدان شهرتی دست یافت که تقریباً از زمان خود حافظ و به مصداق بیت زیر:

به شعر حافظ شیراز می‌رقصند و می‌خوانند سیه چشمان کشمیری و ترکان سمرقندی مورد توجه بوده است.

این استقبال گرم و با شکوه از کلام لسان الغیب بدانجا رسید که تا یک نسل قبل در شبه قاره هیچ فرد باسوادی پیدا نمی‌شد که آثار سعدی و حافظ و احتمالاً مولوی را نخوانده باشد و نمونه‌هایی به حفظ در خاطر نداشته باشد. حتی هیچ خانه‌ای نبود که در آن نسخه‌ای از کلیات حافظ شیراز یافته نشود. از سال ۱۷۹۱ م که نخستین بار چاپ دیوان حافظ تحت نظارت آقای ابوطالب خان اصفهانی متوطن به لکهنو از کلکته انتشار یافت. تعداد زیادی از مجلدات آن کتاب در هند و ایران و ترکیه انتشار یافته^۱. البته اینها غیر از انتشار نسخه‌های چاپی و تحقیقات و ترجمه‌ها و نفوذ اشعار حافظ در برخی اشعار به زبانهای محلی شبه قاره است که اگر بخواهیم به یکایک آنها پردازیم بحث بسیار طولانی خواهد شد فقط به نمونه‌ای بسنده می‌کنم:

”مثل اینکه فکر حافظ در فکر حضرت گورو نانک نخستین پیشوای بزرگ دین سیک نفوذ کرد چنانکه حضرت گورو نانک نوشته: دین در خرقة مرتاض نیست، در عصای درویش نیست، در خاکستر نیست که روی تن مالیده شود، در حلقه‌های گوش نیست، دین در سر تراشیده نیست، در ناقوس نیست. اگر مایلید صراط مستقیم را پیدا کنید از

۱- فصل نامه قند پارسی، ش ۱، پاییز ۱۳۶۹، ص ۱۲۷.

آرایش‌های دنیوی پاک شوید.

این افکار حضرت گورو نانک که مضمون سروده‌هایش است فکر حافظ را به یاد می‌آورد:

نه هر که چهره برافروخت دلبری داند نه هر که آئینه سازد سکندری داند
 نه هر که طرف کله کج نهاد و تند نشست کلاه‌داری و آیین سرورزی داند
 هزار نکته باریکتر زمو اینجاست نه هر که سر بتراشد قلندری داند^۱
 نمونه‌های دیگری از مشابهت افکار گورو نانک و حافظ وجود دارد به مأخذ مقاله رجوع شود و نیز درباره «تأثیر حافظ بر سخنسرایان فارسی زبان هند» به مقاله سید انوار احمد رجوع شود.^۲

همچنین سخن گفتن درباره ترجمه‌های حافظ هم حدیث مفصل دارد زیرا شعر حافظ به بالغ بر سی زبان نه یکبار بلکه چندین بار ترجمه شده که فقط اشاره‌ای مختصر به ترجمه آن در بعضی زبانهای محلی شبه قاره می‌کنم.

در زبان بنگالی ۱۹ ترجمه تنها در دو سده اخیر، پنجابی ۷ ترجمه، اردو بالغ بر ۲۴ ترجمه وجود دارد همین طور غزلیات حافظ به زبانهای کشمیری، آسامی و هندی نیز ترجمه شده است.

اینجانب در کتاب خود تحت عنوان حافظ پژوهان و حافظ پژوهی^۳ به تفصیل ترجمه‌های حافظ را به زبانهای گوناگون آورده‌ام. البته در جزوه‌ای که خانه فرهنگ ایران در بمبئی به مناسبت «جشن حافظ شیرازی» چاپ کرده به ترجمه‌ها و شروع حافظ به اردو و برخی منابع دیگر اشاره کرده است. از جمله در آن از ۲۴ ترجمه و شرح اردوی دیوان حافظ نام برده شده است.^۴

۱- قند پارسی، ش ۱، پاییز ۱۳۶۹، ص ۱۲۲-۳، ۲- قند پارسی، ش ۸، ص ۵۸-۲۴۵.

۳- چاپ تهران، انتشارات گستره، ۱۳۶۸، ص ۲۲-۳۰۵.

۴- جزوه حافظ شیراز، چاپ خانه فرهنگ ایران در بمبئی، ۱۹۹۶، ص ۷-۶.

البته نفوذ و حضور حافظ در میان مردم شبه قاره منحصر به اینها نمی شود. انبوه نسخ خطی^۱ و چاپی، تحقیقات فراوان مستقل، ترجمه‌ها، شروح، تقلیدها از یک طرف، نفوذ عمیق و رسوخ افکار بلند حافظ در اندیشه متفکران از طرف دیگر است که فقط اشاره به یک مورد می‌کنم و آن اشعار و افکار علامه اقبال لاهوری است که کاملاً تحت تأثیر دو متفکر و عارف ایران مولانای روم و حافظ شیراز بوده است که تفصیل آن را می‌توانید در کتابهای اقبال در راه رومی تألیف دکتر سید محمد اکرم متخلص به اکرام (چاپ پاکستان) و حافظ اور اقبال تألیف دکتر یوسف حسین خان (چاپ آکادمی غالب، دهلی، ۱۹۷۶ م) و دیگر مآخذ مطالعه کنید. یا تأثیر حافظ در گوته شاعر آلمانی به حدی بود که در واقع گوته دیوان شرقی خود را تحت تأثیر مطالعه غزلیات حافظ پدید آورد. همچنین در کتابها آمده که پدر رابیندرا نات تاگور هر صبح قبل از هر کاری ابیاتی از حافظ و صفحاتی از اپانیساده‌ها را می‌خوانده است. غنای اندیشه و وسعت جهان بینی و هنر جادویی کلام حافظ در طول ششصد و اندی سال توانسته قلوب بسیاری از مردم و افکار جهانی را تحت تأثیر خود قرار دهد، و پرداختن بدان، وقت مفصلی را می‌طلبد.

با ذکر نمونه‌های فوق تا حدودی دورنمای نفوذ و تأثیر زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره روشن می‌شود. البته خود می‌دانید که زمینه‌های رسوخ و حضور زبان و ادبیات فارسی در شبه قاره صرفاً به زبان و شعر محدود نمی‌شود و ابعاد گسترده‌تری دارد که به توفیق خداوند بزرگ آن را به زمان دیگری وا می‌گذارم و سخن خود را با این مصراع به پایان می‌برم: تو خود حدیث مفصل بخوان ازین مجمل.

۱- رجوع شود به کتاب حافظ پژوهان و حافظ پژوهشی و کتاب پرفسور شریف حسین قاسمی تحت عنوان نسخه‌های خطی حافظ در هند، چاپ خانه فرهنگ ایران، دهلی نو، ۱۳۶۷.